در حاشیه

مردی با چشم‌های حادثه ساز- قسمت سوم

سنتی قدیمی برای فرار از خشکسالی



محمد بلوری
روزنامه نگار

... برای باریدن باران کدخدا و ریش‌سفیدهای آبادی روی ایوان «تکیه» به شور نشسته بودند تا درباره توصیه رمال‌باشی تصمیم بگیرند. رمال پیر گفته بود برای اینکه از طلسم خشکسالی نجات پیدا کنیم و باران ببارد باید به شیوه آباء و اجدادی‌مان عمل کنیم وگرنه با ادامه خشکسالی همه مزارع و باغ‌هامان زیر تابش جهنمی خورشید می‌سوزد و نابود می‌شود و همه مردم این آبادی از گرسنگی و تشنگی تلف می‌شوند.

پیرمردی از میان جمع گفت: رمال‌باشی درست گفته، همین کاظم‌خان بدشگون از سال پیش که پایش را در این آبادی گذاشته برای ما نحسی و بیچارگی به‌بار آورد. از اول بهار تا به‌حال دریغ از یک قطره باران. یک سال آزگاره که یک تکه ابر هم از آسمان آبادی گذر نکرده، گاو و گوسفندهایمان دارند یکی‌یکی از تشنگی تلف می‌شوند. فرداست که نوبت به زن و بچه‌های‌مان برسد.

کدخدا با چهره‌ای اندیشناک، دستی به ریش جوگندمی‌اش کشید و گفت:

- رمال باشی درست گفته. چاره کار عمل کردن به رسم و رسوم قدیمی آبا واجدادماست. همان‌طور که ۱۰ سال پیش عمل کرده‌ایم آقایان!

۱۰سال پیش هم گرفتار خشکسالی شده بودیم. زمانی بود که امنیه‌ها از آبادی‌مان بیرون می‌رفتند و قلعه قدیمی امنیه‌ها را تخلیه می‌کردند.

یکی از مردان به تأیید سری جنباند، آهی کشید و گفت:

- اما چه اشتباهی کردم که یک امنیه بازنشسته را به‌عنوان پهلوان عوضی انتخاب کردیم. لباس سرخ شمر به تن‌اش کردیم و با شمشیر و کلاهخود بر اسب نشاندیمش تا باران ببارد اما به جای باران رحمت، آتش بلا بر سر مردم این آبادی بارید...

این مرد با یادآوری ماجرا، دستی به‌پشت دستش کوبید و رو به مرد جوانی گفت: در آن سال تو و خانواده‌ات به این آبادی نیامده بودید. پناه برخدا این امنیه وقتی لباس سرخ شمر مخصوص تعزیه خوانی را می‌پوشید، کلاهخود پردار برسرش می‌گذاشت، خیال می‌کرد واقعاً شمر شده، از آن روز به‌بعد مردم آبادی از رفتارش ذله شده بودند. شروع می‌کرد مردم را لخت کردن. آفتی شده بود افتاده بود به‌جان خانواده‌ها. امنیه خانه را کرده بود زندان کسانی که به او باج نمی‌دادند، از آن‌پس مردم به فکر افتادند که این شمر از خدا بی‌خبر را چطور از قدرت شیطانی‌اش کنار بزنند. شده بود بلای جان مردم. هر روز درمیدان آبادی برای کسانی که به او باج نمی‌دادند بساط شلاق راه می‌انداخت، بعد زندانی‌شان می‌کرد و تا باج نمی دادند آزادشان نمی‌کرد. همه مردم آبادی یادشان هست.

مرد جوان گفت: از ظلم و تعدی این امنیه بازنشسته در لباس شمر ذوالجوشن زیاد شنیده‌ایم و عاقبت این ظالم چی شد حاجی‌جان؟

پیرمرد جواب داد، حکایتش درازه، شده بود یک شیطان مجسم. مردم آبادی خدا خدا می‌کردند کی باران خواهد بارید تا از ظلم و جور این ظالم که هر روز به بهانه‌ای مردم را لخت می‌کرد، خلاص شوند. بعد از یکی دو هفته باران هم بارید چه بارانی، سیل در آبادی راه افتاد. اما این ظالم حاضر نشد از جلد شمر بودن بیرون بیاید. تا اینکه شنیدیم، با حرامی‌هایی همدست شده که شبها به قبرستان قدیمی آبادی می‌آیند و برای یافتن دفینه‌هایی، قبرها را حفاری می‌کنند و در عوض چند سکه هم کف دست این ظالم می‌گذارند. تا اینکه یک‌شب بر سر تقسیم دفینه کشته شد، او را می‌کشند و جنازه‌اش را توی یک قبر دفن می‌کنند.پا به فرا می‌گذارند...

راز جنایت با مرگ تنها متهم پرونده مبهم ماند

گروه حوادث/ مرد ثروتمند که به اتهام قتل دوستش دو سال در زندان بود بر اثر سکته قلبی جان باخت و راز این جنایت ناگشوده ماند.

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۰ تیر سال ۹۷ آغاز شد. راننده یک کامیون هنگام عبور از بیابان‌های اطراف فرودگاه امام خمینی متوجه جسد مردی روی تپه شد. وی موضوع را به پلیس گزارش کرد و بلافاصله بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل حادثه شدند.

نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد جسد متعلق به مردی ۴۰ ساله است که از پشت سر هدف گلوله اسلحه شکاری قرار گرفته و بررسی صحنه و آثار خون روی زمین و نحوه قرار گرفتن جسد حکایت از آن داشت که قتل در محل دیگری رخ داده و جسد توسط عامل یا عاملان جنایت به آنجا منتقل شده است. کف دست مرد جوان نیز شماره تلفنی نوشته شده بود که تعدادی از اعداد آن پاک شده بود و مأموران تلاش خود را برای یافتن شماره اصلی و هویت صاحب شماره تلفن آغاز کردند.

■ **هویت مقتول**

از آنجایی که هویت جسد نامشخص بود به دستور بازپرس جنایی انگشت نگاری از مقتول صورت گرفت و هویت مرد جوان به‌نام بهروز برملا شد.

بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول ساکن یکی از شهرستان‌های غربی ایران بوده و مدتی قبل به تهران آمده بود. همسر بهروز سرنخ اصلی را به‌دست کارآگاهان داد و گفت: شوهرم هفته گذشته به تهران آمد، گفت با مرد میانسالی به‌نام شاهرخ که مرد ثروتمندی است و در تهران شرکت تجاری دارد قرار ملاقات گذاشته و اگر خبری از او نشد بدانیم که شاهرخ بلایی سرش آورده است.

در ادامه تحقیقات از شماره تلفنی که کف دست مقتول به‌دست آمد سرنخ اصلی را به تیم تحقیق داد. پس از بررسی‌های فراوان مشخص شد شماره متعلق به همان مرد ثروتمند یعنی شاهرخ است که یک شرکت تجاری در شمال تهران دارد.

در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که شاهرخ با مقتول اختلاف قدیمی داشته و بر سر همین اختلافات نیز از سوی دادگاه محکوم به پرداخت دیه شده است. این در حالی بود که در ادامه بررسی‌ها یک راننده تاکسی شناسایی شد که در اظهارات خود عنوان کرد روز حادثه شاهرخ را به نزدیکی محل جنایت برده است.

با مدارک به‌دست آمده شاهرخ به‌عنوان تنها متهم قتل بهروز بازداشت شد. اما مرد میانسال در تحقیقات منکر جنایت شد و گفت: مقتول را می‌شناختم و دوست من بود اما من هیچ نقشی در قتل او ندارم، من در زمان قتل در تهران نبودم و به شهرستان رفته بودم، من حتی اسلحه ندارم و پایم نیز به زندان باز نشده است.

شاهرخ به اتهام مباشرت در قتل عمدی به زندان افتاد و تحقیقات در رابطه با این جنایت ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل شاهرخ در زندان سکته قلبی کرد و او را به بیمارستان منتقل کردند اما تلاش کادر درمانی بیمارستان بی‌نتیجه می‌ماند و شاهرخ تسلیم مرگ شد.

با مرگ تنها متهم پرونده تحقیقات وارد مرحله جدیدی شد و بررسی‌ها به دستور بازپرس زمانی از شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران ادامه دارد.

زلزله در نیمه شب تهران



عکس‌ها: رضا معطریان، علی محمدی/ ایران

گروه حوادث/ نخستین دقایق بامداد جمعه زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵/۱ ریشتر تهران را لرزاند و باعث وحشت بسیاری از شهروندان شد. هرچند کانون این زمین لرزه در ۶ کیلومتری دماوند در شرق تهران بود اما شدت این زلزله در تهران، برخی شهرهای مازندران و حتی قم و ساوه نیز احساس شد.

به‌گزارش خبرنگار «ایران»، بر اساس آمار مرکز لرزه‌نگاری نخستین زلزله ساعت ۲۳:۳۰ شامگاه پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت در دماوند رخ داد اما به‌دلیل اینکه حدود ۲/۹ ریشتر بود از سوی مردم چندان احساس نشد اما وقتی در ساعت ۴۸ دقیقه بامداد جمعه زمین لرزه ۵/۱ ریشتری درعمق ۷ کیلومتری زمین اتفاق افتاد ساکنان دماوند، رودهن، بومهن و عده زیادی از شهروندان تهرانی آن را به وضوح احساس کرده و همین موضوع باعث شد که ترس و اضطراب مردم را راهی خیابان‌ها و بوستان‌های شهر کند. به‌دنبال این زلزله ۳۴ پس‌لرزه دیگر نیز به بزرگی ۲/۵ تا ۴ ریشتر بین ساعت‌های یک و ۱۲ دقیقه تا ۸:۳۰ صبح جمعه به وقوع پیوست.

■ **۲۳ مصدوم و یک فوتی**

هرچند بر اساس گزارش سازمان هلال احمر و اورژانس کشور زلزله بامداد جمعه خسارت و تخریبی نداشت و غیر از چند خانه که دیوارهایشان ترک خورده بود حادثه دیگری رخ نداد اما گزارش اورژانس کشور از مصدومیت ۲۳ نفر در دماوند، تهران و البرز خبر داد که ناشی از ترس و فرار بود. همچنین مردی ۶۰ ساله نیز در دماوند بر اثر ضربه به سرش هنگام فرار دچار حادثه شد و جان باخت. این در حالی بود که مجتبی خالدی - سخنگوی اورژانس کشور - از آماده باش تمامی بیمارستان‌های استان تهران برای پذیرش مصدومان احتمالی حادثه خبر داد و گفت: تمام آمبولانس‌ها در محدوده شرق استان تهران و جنوب مازندران در آماده‌باش هستند و در میادین اصلی شهر مستقر شدند و اقدامات لازم را انجام خواهند داد. دستورالعملی نیز برای اورژانس‌های بیمارستان‌ها صادر شده تا بتوانند ظرفیت پذیرش‌ها را افزایش داده و متخصصان فراخوان شدند تا آمادگی لازم را داشته باشند.

■ **ترافیک شبانه**

همزمان با وقوع زلزله بسیاری از شهروندان از خانه‌هایشان خارج شده و به خیابان‌ها آمدند. برخی سوار بر خودروهایشان و برخی دیگر پای پیاده به‌دنبال فرار از خانه بودند که مبادا زلزله‌ای شدیدتر رخ دهد و زیر آوار بمانند. همین موضوع باعث شد که در کمتر از چند دقیقه ترافیکی شدید در خیابان‌های تهران و دماوند و اسلامشهر وسایر شهرستان‌های استان تهران شکل بگیرد. مردمی که بی‌هدف به خیابان‌ها آمده بودند یا با خودروهایشان در خیابان‌ها حرکت می‌کردند یا داخل خودرو کنار خیابان نشسته بودند تا شب را به صبح برسانند. در همین رابطه سردار محمدرضا میهماندار- رئیس پلیس راهور تهران بزرگ - از افزایش ۳۰ درصدی تردد شهروندان بعد از زلزله خبر داد و به مردم توصیه کرد اگر در خیابان توقف می‌کنند به نحوی خودرو را پارک کنند که موجب انسداد مسیر و معابر نشود. این در حالی است که برخی نیز به پمپ‌بنزین‌ها رفته و خواهان سوخت‌گیری خودروهایشان برای فرار احتمالی از شهر بودند که همین امر باعث شد پلیس با توجه به تجربه دو سال قبل زلزله تهران برای جلوگیری از هجوم بیش از حد مردم به پمپ‌بنزین‌ها تمهیدات خاصی به کار ببرد و مأموران پلیس را در مقابل پمپ‌بنزین‌ها در حالت آماده‌باش قرار دهد.

■ **هشدار پلیس**

اما از آنجا که بسیاری از مردم با عجله خانه‌هایشان را ترک کرده و به خیابان‌ها ریخته بودند رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از افزایش گشت‌های پلیس در پایتخت خبرداد و هشدارهایی را هم به شهروندان ارائه کرد. سردار کیوان ظهیری گفت: بعد از وقوع زلزله با توجه به حضور مردم در خیابان‌ها و معابر و ضرورت تأمین امنیت، گشت‌های کلانتری‌ها را افزایش دادیم و مأموران ما در پارک‌ها و فضاهای عمومی نیز حاضر شدند. برخی شهروندان با عجله و بدون بستن در و پنجره‌ها یا جمع‌آوری وسایل با ارزش و قیمتی خانه‌هایشان را ترک کردند که برای جلوگیری از وقوع سرقت‌ها یا سوءاستفاده‌های دیگر گشت‌های پلیس آماده‌باش و ناظر بر خیابان‌ها و محله‌ها بودند. رئیس پلیس پیشگیری پایتخت افزود: به شهروندان توصیه می‌شود در چنین شرایطی نکات ایمنی را رعایت کنند اگر در خودرو هستند توجه داشته باشند که از بازگذاشتن در خودرو و رها کردن آن حتی برای چند ثانیه هم پرهیز کنند. همچنین از قبول بسته از افراد ناشناس یا سپردن وسایل خود به چنین افرادی خودداری کنند. در همین رابطه پلیس فتا نیز از مردم خواست به پیامک‌ها و شایعات فضای مجازی درباره زلزله توجه نکنند. سرهنگ رامین پاشایی، معاون اجتماعی پلیس فتا دراین باره گفت: درخواست ما از شهروندان این است که اخبار مربوط به زلزله رخ داده در تهران را از منابع رسمی پیگیری کرده و به شایعات و اخبار غیرموثق توجه نکنند. وی از شهروندان خواست که آرامش خود را حفظ کنند و گفت: پلیس فتا با افرادی که بخواهند آرامش مردم را به‌خطر بیندازند برخورد خواهد کرد.

■ **توصیه‌های مدیریت بحران**

رضا کرمی محمدی- رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران- نیز به مردم توصیه کرد تا دو روز آینده برای احتمال وقوع زلزله مراقب و آماده باشند. وی گفت: باتوجه به لرزه‌خیزی گسل مشاکه یکی از گسل‌های شهر تهران است شهروندان باید یکسری نکات ایمنی را رعایت کنند، از جمله اینکه به مراکز امن محله خود مراجعه کنند. از شهروندان می‌خواهیم که راه‌های اضطراری را خالی نگه دارند و از توقف در این راه‌ها خودداری کنند، این راه‌ها با تابلو مشخص شده است. رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با اشاره به اینکه مدیریت بحران تا یکشنبه در آماده‌باش است، گفت: پایگاه‌ها و سوله‌های مدیریت بحران ما در آماده‌باش کامل هستند اما مردم توجه داشته باشند که این پایگاه‌ها برای مراجعه مردم نیست، بلکه برای ارائه خدمات به مردم در زمان بحران است و باید اطراف آن برای تردد امدادگران خالی باشد، به همین دلیل نیز از مردم می‌خواهیم که به این پایگاه‌ها و سوله‌ها مراجعه نکنند و در مراکز امن تخلیه اضطراری حاضر شوند. همچنین از شهروندان می‌خواهم که اگر در ادامه بازهم با زلزله روبه‌رو شدند، در هنگام زلزله از خانه خارج نشوند و در محیط امن پناه بگیرند تا لرزش تمام شود و سپس از خانه خارج شوند. همچنین از آسانسور هم استفاده نکنند.

■ **ریزش کوه**

پس از زلزله بامداد جمعه خبر ریزش کوه در محور تهران - لواسانات نیز گزارش شد. ایمان محرابی نیا مسئول سالن عملیات مرکز مدیریت راه‌ها اظهار داشت: ساعت ۰۲:۳۰ جمعه ۱۹ اردیبهشت محور تهران - لواسانات در محدوده کمرخانی که به‌علت ریزش کوه در یک مسیر مسدود شده بود، با تلاش راهداران پاکسازی شد. حسن فراهانی، رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان شمیرانات نیز اعلام کرد: بامداد جمعه وقوع زلزله منجر به ریزش کوه در محور زردبند - فشم شد که البته خسارت مالی و جانی در پی نداشت.

محاکمه دوباره عاملان قتل فوتبالیست سایپا



گروه حوادث/ باند تبهکاران افغانستانی که به بهانه پیدا کردن زیرخاکی ۳ مرد ایرانی از جمله فوتبالیست تیم سایپا را به قتل رسانده بودند با نقض حکم‌شان از سوی دیوان‌عالی کشور بزودی در شعبه هم‌عرض در دادگاه کیفری محاکمه خواهند شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۴ با گزارش وقوع یک قتل در ساختمانی نیمه کاره آغاز شد. مأموران پس از مراجعه به محل جنایت با جسد جوانی به‌نام حسن مواجه شدند و در چند قدمی او هم علی برادرش را پیدا کردند که بشدت مجروح شده بود. علی بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و در همان لحظات به مأموران گفت: چند مرد افغانستانی به آنها حمله کرده‌اند اما بعد به کما رفت و او هم جان سپرد. تحقیقات پلیس در خصوص یافتن عاملان قتل دو برادر ادامه داشت تا اینکه جسد دو قربانی دیگر که به همان شیوه جانشان را از دست داده بودند، پیدا شد که یکی از آنها فردی به‌نام قاسم، دهیار یکی از شهرهای شمالی بود.

■ **زنده شدن در سردخانه**

پس از انتقال اجساد این دو نفر به سردخانه بیمارستان، مسئول سردخانه به مأموران گزارش داد که کاور روی جسد قاسم بخار کرده و این احتمال وجود دارد که او هنوز زنده باشد. پس از آن بلافاصله جسد از سوی پزشکان مورد بررسی قرار گرفت و قاسم به زندگی برگشت. او پس از بهبودی به مأموران گفت: من علاوه بر دهیاری در کار ساخت وساز هم هستم از این‌رو کارگرهای افغانستانی زیادی داشتم. چندی قبل یکی از آنها به من گفت که یکی از دوستانش در تهران هنگام کندن زمین یک کوزه پر از سکه عتیقه پیدا کرده و قصد دارد آن را با قیمت مناسبی بفروشد. از آنجایی که من هم کمی پول داشتم به همراه دوستم که راننده لودر بود برای خرید سکه‌های عتیقه با هم به تهران آمدیم. در تهران چند مرد افغانستانی که سر قرار حاضر شده بودند به یکباره با چاقو و قمه به ما حمله کردند و همه پول‌های ما را گرفتند. اما در حالت نیمه بیهوش شنیدم یکی از آنها می‌گفت با اره برقی قطعه قطعه‌شان کنیم. بعد از آن بیهوش شدم تا اینکه در سردخانه به‌صورت معجزه‌آسایی نجات پیدا کردم. با اظهارات مرد مالباخته پلیس احتمال داد که عاملان دو قتل دیگر و همچنین عامل قتل امید بازیکن تیم جوانان سایپا که سال ۹۲ ربوده شده و جسدش در یک چاه در کهریزک پیدا شد اعضای همین باند بوده‌اند. به این ترتیب مأموران با ردیابی تماس‌های یکی از مردان مهاجم افغانستانی با دهیار، موفق شدند اعضای باند تبهکار را شناسایی کنند. اما وقتی ۵ متهم خود را در حلقه محاصره پلیس دیدند تسلیم نشدند و تلاش کردند با درگیری از محاصره بگریزند که در این میان ۲ متهم کشته و ۳ نفر دیگر دستگیر شدند.

■ **انکار قتل‌ها از سوی متهمان**

با دستگیری متهمان و تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. بعد از اینکه کیفرخواست علیه متهمان خوانده شد، اولیای دم در جایگاه قرار گرفته و درخواست قصاص متهمان را مطرح کردند. پس از آن اولین متهم در جایگاه قرار گرفت و با رد اتهام قتل عنوان کرد: من از هیچ چیز خبر نداشتم، وقتی به ساختمان نیمه کاره رفتم دوستانم مرا کتک زدند و مجبورم کردند تا دست و پای دو مردی را که برای خرید سکه‌ها آمده بودند ببندم. من نمی‌خواستم این کار را انجام دهم اما برای حفظ جان خودم مجبور به انجام آن کار شدم. متهم دیگر این پرونده هم گفت: دوستانم به من گفته بودند اگر کمک‌شان کنم پول خوبی می‌گیرم. من فقط آنجا حضور داشتم اما ضربه‌ای به قربانی‌ها نزدم. همدستان‌مان که در درگیری با پلیس کشته شده‌اند، قتل‌ها را انجام داده بودند. متهم سوم هم با تأیید حرف‌های دو متهم اول ادامه داد: همان‌طوری که دوستانم گفتند ما فقط در سرقت‌ها نقش داشتیم و طراحان اصلی و رئیس باند آنها بودند و ما فقط اجراکننده بودیم. پول چندانی هم به ما نمی‌رسید و بیشتر پول‌ها به آن دو نفر می‌رسید و آنها هم پس از سرقت سهم‌شان را به افغانستان می‌فرستادند. بعد از پایان دفاعیات متهمان، هیأت قضات در شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شدند و متهمان را هر کدام به ۱۰ سال حبس و پرداخت دیه محکوم کردند. پس از صدور رأی، اولیای دم اعتراض خود را مطرح کردند و احکام به دیوانعالی کشور رفت و قضات دیوانعالی پس از بررسی پرونده و درخواست اولیای دم مبنی بر قصاص متهمان اعتراض اولیای دم را وارد دانسته و اظهار داشتند باید نقش متهمان به‌صورت دقیق در قتل‌ها مشخص شود. به این ترتیب رأی صادره نقض و پرونده برای رسیدگی دوباره در دادگاه کیفری استان تهران به شعبه هم‌عرض فرستاده شد. به این ترتیب متهمان یکبار دیگر پای میز محاکمه خواهند رفت.

توطئه برای انتقام از شوهر صیغه ای

گروه حوادث/ زن جوان که نقشه ربودن شوهر صیغه‌ای خود را طراحی کرده بود بعد از دستگیری مدعی شد چون شوهرش دختر او را کتک می‌زده قصد انتقام‌جویی داشته است. به‌گزارش خبرنگار «ایران»، بیست و چهارم دی سال گذشته با تماس تلفنی شهروندان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مأموران کلانتری ۱۶۷ دولت‌آباد از وقوع یک فقره آدم‌ربایی ناتمام در محدوده خیابان قدس مطلع شدند. با حضور مأموران کلانتری در محل و انجام تحقیقات اولیه شاکی به‌نام سهیل - ۴۵ ساله- به مأموران گفت: در حال عبور از خیابان بودم که سه مرد ناشناس با یک دستگاه خودروی پراید به من حمله‌ور شده و با استفاده از گاز اشک‌آور قصد ربودنم را داشتند که با سر و صدا و فریاد، اهالی محل به کمکم آمده و آنها از ترس با خودروشان متواری شدند. سرهنگ کارآگاه «کرم یوسف‌وند» رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی گفت: پس از این شکایت پرونده با موضوع آدم‌ربایی تشکیل و برای رسیدگی تخصصی و شناسایی افراد ناشناس با دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای شهرری به پایگاه نهم ارجاع شد. در تحقیقات تکمیلی شاکی اظهار داشت، درکار ساختمان‌سازی است و به‌دلیل طولانی شدن زمان پایان کار قادر به تحویل سند خانه‌ها به چند تن از خریداران نشده، احتمال دارد این افراد از طرف خریداران آپارتمان‌ها ساخته شده اجیر شده باشند.



کارآگاهان به‌دنبال اظهارات شاکی راهی محل آدم‌ربایی شدند و با انجام تحقیقات میدانی سرنخی از آدم‌ربایان به‌دست نیامد. این مقام انتظامی تصریح کرد: در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان دریافتند شاکی همسری صیغه‌ای دارد که این زن دختر جوانی به‌نام مهسا دارد و در بررسی‌های بیشتر مشخص شد مهسا در روز حادثه با فردی به‌نام «شاهرخ» ۳۰ ساله در ارتباط بوده است. بدین ترتیب احتمال اینکه وی در این آدم‌ربایی نقش داشته باشد قوت گرفت. بنابراین با هماهنگی‌های قضایی دستور دستگیری شاهرخ صادر شد و وی در حوالی شهرری شناسایی و در پانزدهم اردیبهشت ماه در مخفیگاهش در یک عملیات ضربتی دستگیر و به پایگاه نهم انتقال یافت. شاهرخ در بازجویی‌ها لب به اعتراف گشود و گفت: نقشه آدم‌ربایی را مادر مهسا که همسر صیغه‌ای سهیل است به‌دلیل اختلافاتی که با یکدیگر داشتند طراحی کرده است. سهیل چندین بار مهسا را مورد ضرب وجرح قرارداده بود و به‌همین خاطر مادرش برای انتقام‌جویی با دادن پول به چند نفر شرور با مشارکت من قصد آدم‌ربایی و انتقام‌جویی از وی را داشت که با دخالت اهالی محل، آدم‌ربایی ناموفق بود. سرهنگ کارآگاه یوسف‌وند در پایان اشاره کرد: با توجه به اعتراف صریح متهم به جرم خود و با صدور قرار قانونی از سوی بازپرس پرونده متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی و کشف زوایایی پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان پایگاه نهم قرار دارد.